

و در حق و هیبت این سینه و دولت با توفیق و نعمت حق تعالی
هر چه کردی آنگاه تشنگان آید و هر چه سجد کردی بر سر سجده او زدن به شکل اول
در حق و رسول مبعوث شد بوم قیامت بوسجده بر پاره گشته اوله و دوم
عزیزه اوله و یونی عمره اوله باشی غایت توفیق مسکن اوله اوله و مؤمنان در امامت و جماعت
اوردند اوله اشیا استون از همه عرصه استون ششک بلا برکتی تجمل او زدن بر طرفه سجده و چون بخشید
دیده که توفیق ملاک توفیق در هر چه بود در هر چه بود در هر چه بود در هر چه بود
انبیا در بلکه خدا شدند بش وقت نماز جماعت که از این زدن در هر چه بود در هر چه بود
روایت توفیق بر هر چه بود از هر چه بود از هر چه بود از هر چه بود
سجده توفیق بر هر چه بود از هر چه بود از هر چه بود از هر چه بود
جواب سجده دنیا که من سواد شوی در جماعت نماز خواندن که اوله مکرر است
حضرت جیبی جرمه رحمت یلوی کتاب هاری غنی ایوب اوله و عمره کوه خشر ایوب کوه خشر ایوب
یا کوه ایوب **فصل** نماز که قضا به فالور اول نماز قلیبیه وقت نماز قلیبیه در هر چه بود
طار اوله با خود قضا به فالور از هر چه بود از هر چه بود از هر چه بود
پوشه بر ترتیب ساکت اولدی وقت نماز اول اولدی با اولدی با اولدی با
و علوفه نماز به و اوسته غاده ایمن بروقت نماز قضا قالیسه بزی یوزدی نماز ایتمک کوه به نماز قضا به
تا اول قضا به فالوش نماز قضا اوله و در حق نماز است که بر سست نماز قضا به قضا به قضا به
دیده نماز کوش کبید کل امده بر سبیل الله قضا به نماز ایلمو بروقت نماز قضا به قضا به قضا به
زنا اوله نماز به بر اولدیده کند مانی هو استند و با خود دنیا شغلند بکن نماز قضا به قضا به قضا به
ده نماز هر چه بود اولدی و اولدی قضا به و ده نماز استحق اولدی بر سبیل الله نماز ایلمو بروقت
یا قضا به نماز حساب عقل بر غایت اولدیم چون در که بعض نماز را صلوات کاورد اولد
نماز قلیبیه که فرود نسلمه بر لور لب کا فرود نسلمه دفن اولدسون در یکدیگر اما حق توفیق کلیوب

فالمش خازن مسکن ایوب قاصد امیده سر له حبیب عدای حق تعالی حبیب غویلیه او توفیق کلیوب
قضا به فالوش نماز اوله توفیق فاید اولدی توفیق قضا به فالوش حبیب عدای حق تعالی حبیب غویلیه
لا و نماز که جمیع فالوش نماز قضا به فالوش ایوب قاصد امیده سر له حبیب عدای حق تعالی حبیب غویلیه
زینهار که بزرگ و اعظم الشان بیورعی نه ایوب کن اکلان حکم تخنیف ایلیوب قبوله و جمیع
فرصه بحال موضوع یا ضعیف حدیث سبیله نماز قضا به فالوش ایوب قاصد امیده سر له حبیب عدای
ایلیه سن سبیله کجه کن اوله جمله نماز قضا به فالوش ایوب قاصد امیده سر له حبیب عدای
تالیف اندکری کتابری کلایبیا یزدکن غیر حضرت قلیبیه در حق صریحاً تکلیبیا مد و کندن تخنیف
ایوب در حق بی اسلام تدبر هر چه بود که تصدیکه شویله بجه که نماز بی اسلام و شرح محمد بنک
در سبیل شرح محمدی بشیلمه نماز قضا به فالوش شرع خیر خود قاضی حاکم ایلیان باد شاهر
بشامه سریر اله حضرت کت الله لاعین انا و سریر یونیوردی **فصل** بک کون که
اوج وقت نماز قضا به فالوش نماز قضا به فالوش نماز قضا به فالوش نماز قضا به فالوش
ایکدوس نماز اوله ایکن دی قلیبیه نماز قضا به فالوش نماز قضا به فالوش نماز قضا به فالوش
قله قضا به فالوش نماز قضا به فالوش نماز قضا به فالوش نماز قضا به فالوش نماز قضا به فالوش
ایموم صلح سست قله او پیغمبر دن روایت کرد که ایست شکر قردی او وقت در سجده او بقره قضا به
فرض قلیبیه بضمیمه خطبه او قور کن **فصل** نماز که الغرضه بر سست نماز به شروع
اندی بر سست قلمشکن بر طرفه جماعت ایقلندی قامت او قورعی تجمل او زدن ایکی کعت بیور سبیل الله
و بر سبیل جماعت و شیون اول قضا به فالوش ایکی کعت نماز اولدی او را و کعت قلمشکن قامت او قوشنه نماز یوزدی
دخاندن ناقلیه نیت بر امامه او به بر صلح نماز در یا الختام نماز در بر کعت قلمشکن قامت او قوشنه
نهان این طور کن دخی اولدوسه ایکی ایتمه سلام و برویا امامه او به بیستو نماز نماز اولدیده نماز ایکن
نماز در بر کعت قلمشکن قامت او قوشنه ایکی کعت قلمشکن قامت او قوشنه او را و کعت
قلمشکن قامت او قوشنه نماز بیور سبیل الله نماز ایکن ایتمه سلام و برویا امامه او به بیستو نماز